

ما و آینه بزرگ دفاع مقدس

باسمه تعالی

این مسلّم است که ما برای امروز و فردا و پس فردای خود همواره باید چشم به آینه بزرگ دفاع مقدس دوخته باشیم و در این رابطه خوب است به نکات زیر به عنوان اشاره به آن آینه بزرگ، توجه شود.

1- راستی را! مگر جز این است که «آینه، یعنی صورت و معنا»؟! حال ما در این آینه و در اشارت‌های صحنه دفاع مقدس چه چیز را باید بنگریم تا معنای حقیقی این صورت‌ها باشد؟ صورت‌هایی که در معنای خود به عمیق‌ترین معنای حضور انسان در این قرن اشارت دارد تا انسان، آری! تا انسان خود را در معنایی بس بزرگ جستجو کند.

2- در نظر به آینه بزرگ دفاع مقدس خوب است با نگاه حضرت روح الله (رضوان الله تعالی علیه) «به آن آینه بنگریم که می‌فرمایند:

«هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم، ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوز را در جنگ ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم. ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها، سالیان سال می‌توان مبارزه کرد. جنگ ما کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت. جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت... و از همه مهم‌تر استمرار روح «اسلام انقلابی» در پرتو جنگ تحقق یافت... جنگ ما جنگ حق و باطل بود و

تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. چه کوه نظرند آن‌هایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خود گذشتگی و صلابت بی‌فایده است! در حالی‌که صدای اسلام‌خواهی آفریقا، از جنگ هشت ساله ماست. علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان، از جنگ هشت ساله ماست... راستی مگر فراموش کرده ایم که ما برای اداء تکلیف جنگیده ایم و نتیجه، فرع آن بوده است؟...»

3- امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» بعد از پذیرش قطعنامه و ختم جنگ با صدام می‌فرمایند این جنگ تا قیام قیامت ادامه دارد، و تأکید می‌کنند: «امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استعمار علیه اسلام ناب محمدی بر ملا شده است.» و در آخرین جملات خود در فروردین 1368 می‌فرمایند: «امروز خداوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پابرجا داشت... غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامیتان به خیال خام خودشان بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از ارتباط با آنان رنجور. همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام بگذارید لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند.»

4- آیا حکایت حضور تاریخی ما در مواجهه با دفاع مقدس، حکایت از آن ندارد که باید به آینده‌ای نظر کرد که در راستای حضوری است که با دفاع مقدس به میدان آمد؟ در این رابطه رهبر معظم انقلاب «حفظه الله تعالی» در سخنان اخیر خود فرمودند:

«شکوفایی استعدادها و بروز قدرت و ابتکار جوانان کشور در دفاع مقدس نشان داد جوانان همیشه قادرند همه مسائل کشور را حل کنند.» چرا متوجه چنین حضور و چنین آینده‌ای که ریشه در دفاع مقدس دارد، نباشیم؟

5- ما با نوع برخوردی که حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» با حمله صدام حسین که حمله همه جهان استکبار بود به ما، داشتند؛ فهمیدیم می‌توان به حقیقت باور داشت، حقیقتی که از زندگی جدا نیست و در متن زندگی به ظهور می‌آید، امری که شهدا - این آینه‌های سراسر معنا - نشان دادند. آن‌ها حقیقت را در متن تاریخی انقلاب اسلامی یافتند و در صحنه دفاع مقدس به دفاع از آن مبادرت کردند.

6- به راستی آیا «فضیلت» و «عواطف حماسی» دو امر جداگانه‌اند؟ تا بتوانیم یکی را برگزینیم و دیگری را رها کنیم؟ حال آن‌که، آن‌کس که فضیلت را برگزید نمی‌تواند نسبت به حضور حماسی خود در عالم تردید کند و ما نمونه روشن آن را در پریروز تاریخ‌مان در شخصیت مولای‌مان علی «علیه السلام» یافتیم و در پس‌فردای خود حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» را همراه داریم که به حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» اشارت دارد و گرنه یا فضیلت را به بازی گرفته‌ایم و یا حماسه را مانند آقای خاوری - رئیس اسبق بانک مرکزی که با ظاهر و گفتار مذهبی و انقلاب دست به اختلاس بزرگ زد - نمی‌فهمیم. بی‌حساب نیست که رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله‌تعالی» در خطاب به مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه می‌فرمایند: «اگر روحیه جهادی نباشد، اولاً: انسان گاهی صحنه را غلط می‌بیند. ثانیاً: گاهی در رفتار، غلط عمل می‌کند.»

7- وقتی انسان نسبت خود را با «وجود بیکرانه اکنون جاودانه» اش پیدا کرد، به راحتی مواظب

است تا جان او فضیلت‌های دروغین را نپذیرد، هرچند مانند پهلوانی باشد که روی بند ایستاده و هر لحظه امکان دارد سقوط کند ولی سقوط به کجا؟ وقتی باز هم در «وجود بیکرانه اکنون جاودانه خود» حاضر است، به همان معنای حضور در آغوش خدا. و ما این را در دفاع مقدس و در آرامشی که در چهره رزمندگان بود، تجربه کردیم، یعنی در حاج حسین خرازی و این‌که به ما نشان داد آن کس که با هیچ خواستی متلاطم نمی‌شود و به هیچ روی نمی‌خواهد چیزی جر آنچه هست، شود و همچون دریایی آرام است؛ همان کسی است که متوجه «حضور اکنون بیکرانه جاودانه» خود شده است. در این حال وقتی به ارزشمندترین امیدها و اهداف بشر مدرن می‌نگرد می‌یابد در آن جهان، جدی‌مانندی که توصیه می‌کنند، چه اندازه دشوار و چه اندازه با توهمات همراه است. پس باز مائیم و «حضور اکنون بیکرانه جاودانه خود» و ادامه راه. راهی که با دفاع مقدس شروع شد به همان معنایی که حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» متذکر شدند که «ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم...».

والسلام